

واکاوی چالش‌های برابریابی اسماءالحسنی در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم

فرزانه تاج آبادی^{*}

۱- استادیار پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۷

چکیده

ترجمه قرآن، چه به صورت کامل، چه به صورت ترجمه بخشی از آن، از همان زمان نزول این کتاب مقدس آغاز شده و سیر تکاملی آن تا امروز ادامه داشته است. نقد و ارزیابی علمی و مداوم ترجمه‌های متفاوت قرآن کریم، می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت آن‌ها باشد و راه نیل به هدفی آرمانی که همانا ترجمه‌ای دقیق و دربرگیرنده تمامی ظرافت‌های متن اصلی است، را هموار سازد. به همین دلیل، در جستار حاضر تلاش شده است با روش توصیفی-تحلیلی آمیخته با نقد و با رویکرد آسیب‌شناسی فنی و ادبی ترجمه، چالش‌های پیش‌روی مترجمان در برابریابی اسماءالحسنی به زبان فارسی مورد مطالعه قرارگیرد. بر این اساس، داده‌های مربوط به ۴۳ مورد از این اسامی از کل قرآن انتخاب و در ۳۵ ترجمه فارسی معاصر قرآن مورد بررسی و نقد قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مترجمان دست‌کم در ۱۱ مورد، از اصول و مبانی ترجمه تخطی کرده‌اند. برخی از این لغزش‌ها عبارتند از: عدم رعایت نظم و همگونی در ترجمه؛ عدم رعایت اختصار در ترجمه؛ عدم ارائه برابرنهادهای معمول و قابل فهم؛ حذف بی‌دلیل؛ عدم توجه به یکسان‌سازی ترجمه ساختارهای نحوی مشابه و تعدیل‌های ساختاری نابجا و بیش از اندازه.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آسیب‌شناسی ترجمه، برابریابی، اسماءالحسنی

۱- مقدمه

ترجمه، عبارت است از فرایند جایگزینی عناصر متنی زبان مبدأ، به وسیله عناصر متنی زبان مقصد که طی آن مترجم باید سعی کند با این عمل جایگزین سازی، زمینه‌ای را فراهم بیاورد که در آن نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه، با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند. برگردان متن از زبانی به زبان دیگر، امری دشوار و پیچیده است و به همین دلیل از هیچ مترجمی نمی‌توان انتظار داشت که بتواند تمامی مفاهیم، معانی، ظرافت‌ها و زیبایی‌های زبانی متن اصلی را به متن مقصد انتقال دهد. میزان این دشواری، متناسب با نوع متن، تغییر می‌کند و به نظر می‌رسد که در رابطه با متون مقدس، به اوج خود می‌رسد. متن مقدس، به متنی گفته می‌شود که پیروان یک دین آن را می‌پذیرند و اصول اعتقادی خود را بر پایه آن بنا می‌نهند.

در رابطه با ترجمه کتاب مقدس قرآن کریم، دو دیدگاه کلی مبنی بر امکان یا عدم امکان ترجمه آن در بین اندیشمندان وجود داشته و دارد؛ با این حال، ترجمه قرآن، چه به صورت کامل، چه به صورت ترجمه بخشی از آن، از همان زمان نزول این کتاب مقدس، آغاز شده و سیر تکاملی آن تا امروز ادامه داشته است. از آنجایی که مترجمان، در ترجمه این کتاب مقدس، همواره با چالش‌های مختلفی روبرو بوده و هستند، انجام پژوهش‌هایی با محوریت بررسی و نقد این ترجمه‌ها یا به عبارت دیگر، آسیب‌شناسی این ترجمه‌ها، امری ضروری است؛ زیرا سیر پیشرفت ترجمه‌های قرآنی و دست‌یابی به ترجمه‌ای دقیق‌تر، بدون نقد و آسیب‌شناسی ترجمه‌های پیشین، حاصل نخواهد شد. این نقدها و بررسی‌ها می‌تواند به شکل نقد یک ترجمه خاص از فلان مترجم باشد، یا این‌که در آن، موضوعی واحد در ترجمه‌های افراد مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

در نقدهای نوع اول بیش‌تر شخص محور است؛ حال آن‌که در مورد دوم، دیگر ترجمه فرد خاصی موضوعیت ندارد و انتقاد بیش‌تر، موضوع محور است.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاصی که در ترجمه متون مقدس، از جمله قرآن، باید به آن توجه داشت و همچنین دشواری‌هایی که مترجم در ترجمه این گونه از متون با آن مواجه است، مباحث مطرح در آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآنی، غالباً در چند دسته کلی از جمله آسیب‌های علمی، فنی، روش‌شناختی، سبک‌شناختی، مبنایی، اخلاقی و آسیب‌های ترجمه مستشرقان گنجانده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳۲۹).

با توجه به مقدمه کوتاهی که ذکر شد و همچنین با در نظر گرفتن این موضوع که یکی از بارزترین ایراداتی که در ترجمه‌های معاصر قرآن به زبان فارسی به چشم می‌خورد، انتخاب برابرهایی است که در بعضی موارد با اصول و قواعد مطرح در فن ترجمه و همچنین برخی مبانی زبان‌شناختی ترجمه، سازگار نیست، جستار حاضر تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از اصول و قواعد مطرح در این دو حوزه، به آسیب‌شناسی ترجمه چند مورد از اسماء الحسنی، پرداخته و به این پرسش که چه چالش‌ها و محدودیت‌هایی، بر سر راه مترجمان در برابری و برگردان اسماء الحسنی به زبان فارسی وجود دارد، پاسخ دهد؟

۲- پیشینه تحقیق

نقد ترجمه، به عنوان آیینی از هنجارهای حاکم بر تولید و پذیرش ترجمه در هر فرهنگ، همواره مورد توجه ترجمه‌پژوهان و اهل ترجمه قرار داشته است. به موازات رشد چشمگیر ترجمه‌های معاصر قرآن به زبان فارسی، آثار بسیار متعدد و ارزشمندی، چه به صورت کتاب (خرمشاهی ۱۳۷۲؛ آذرنوش ۱۳۷۵؛ هادی ۱۳۷۹؛ صفری ۱۳۸۰؛ کوشا ۱۳۸۲؛ و غیره) و چه به صورت مقاله^۱، در زمینه نقد و آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآنی نیز، به چاپ رسیده است. نقد ترجمه پاینده، توسط مطهری در سال ۱۳۳۷ را شاید بتوان نقطه آغاز این مطالعات در نظر گرفت.

پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، عمدتاً ذیل سه گروه قرار می‌گیرند:

الف) آسیب‌شناسی ترجمه یک یا چند سوره خاص.

ب) آسیب‌شناسی ترجمه یک مترجم خاص.

ج) آسیب‌شناسی یک موضوع خاص.

از طرف دیگر، آنچه از سیر تحول شروح اسماء برمی‌آید، آن است که در طول تاریخ اسلام، موضوع نام‌های خداوند، همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و پژوهشگران زیادی شرح‌های گوناگون از منظر لغوی، حدیثی، کلامی، صوفیانه، عرفانی و فلسفی بر آن‌ها نگاشته‌اند. با این وجود، در رابطه با موضوع آسیب‌شناسی ترجمه اسماءالحسنی که ذیل قست سوم یا همان آسیب‌شناسی یک موضوع خاص قرار می‌گیرد، می‌توان گفت که تاکنون پژوهش خاصی با محوریت آسیب‌شناسی فنی و ادبی ترجمه آن‌ها به‌ویژه به زبان فارسی صورت نگرفته است، که همین امر خود گویای ضرورت انجام پژوهش حاضر می‌باشد.

شایان ذکر است که در برخی از نقدهای موجود، اشاره بسیار مختصری به این موضوع شده است که در خلال تحلیل داده‌ها، به آن‌ها اشاره خواهد شد. علاوه‌براین، در برخی از پژوهش‌های معناشناسی، از جمله آثار تحقیقی ملاابراهیمی و طباطبایی، ۱۳۹۵؛ آیین‌وند و نیازی، ۱۳۷۹؛ نیازی، ۱۳۷۹ و خوانین‌زاده، ۱۳۸۹، معنی برخی از این اسماء، مورد بحث قرار گرفته است که در بررسی داده‌ها و ارائه برابرنهادهای پیشنهادی، از آن‌ها کمک گرفته شده است.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر، تلاش می‌کند تا با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه نقد عام، به آسیب‌شناسی ترجمه اسماءالحسنی از منظر آسیب‌های علمی و فنی ترجمه بپردازد. به

منظور انجام تحقیق حاضر، ابتدا، ۴۳ واژه شکور، غفور، کبیر، عظیم، لطیف، حلیم، بصیر، سمیع، اول، آخر، مقتدر، قادر، واحد، صمد، حی، قیوم، نور، جامع، غنی، قهار، رزاق، فتاح، وهاب، واسع، حفیظ، غفار، کریم، رقیب، مجیب، حکیم، مجید، خبیر، منتقم، متعالی، عفو، مالک، رئوف، تواب، علیم، حسیب، ودود، مقیت و رشید، در متن قرآن مورد جستجو قرار گرفت و تمامی آیات شامل این واژه‌ها، استخراج گردید. شایان ذکر است که کلمات مذکور، به صورت غیر گزینشی و تصادفی از میان اسماء الحسنی بسیط انتخاب شده‌اند و اسماء مرکب را دربرنمی‌گیرند.

پس از استخراج این واژه‌ها، بسامد وقوع هر واژه در کل آیات محاسبه شد. در مرحله بعد، با توجه به معنی آیات، تلخیص داده‌ها صورت گرفت و مواردی که این واژه‌ها تنها برای توصیف خداوند به کار رفته بود، یا به بیان دیگر، جزء اسماء الحسنی محسوب می‌شد، انتخاب و مقوله واژگانی آن‌ها تعیین شد.

در ادامه، برابری اسماء الحسنی از متن ۳۵ ترجمه معاصر قرآن به زبان فارسی استخراج گردید. این متون به صورت غیر گزینشی (بدون در نظر گرفتن نوع ترجمه و اعتبار مترجم)، از بین ترجمه‌های معاصر موجود در نرم‌افزار جامع التفاسیر نور انتخاب گردید که عبارتند از: رهنما، ۱۳۵۴؛ فارسی، ۱۳۶۹؛ کاویان‌پور، ۱۳۷۲؛ معزی، ۱۳۷۵؛ پاینده، ۱۳۷۵؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰؛ صفارزاده، ۱۳۸۰؛ طاهری قزوینی، ۱۳۸۰؛ مصباح‌زاده، ۱۳۸۰؛ ارفع، ۱۳۸۱؛ مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۱؛ آیتی، ۱۳۸۲؛ برزی، ۱۳۸۳؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴؛ حجتی، ۱۳۸۴؛ خرمشاهی، ۱۳۸۶؛ یزدی، ۱۳۸۶؛ صلواتی، ۱۳۸۷؛ صفوی، ۱۳۸۸؛ صادق نوبری، ۱۳۹۶؛ سراج، ۱۳۹۰؛ پورجوادی، ۱۳۷۲؛ یاسری، ۱۳۸۳؛ دهلوی، ۱۴۱۷؛ فولادوند، ۱۳۷۶؛ عاملی، ۱۳۶۰؛ بروجردی، ۱۳۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۵؛ انصاریان، ۱۳۸۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴؛ قبادی آدینه‌وند لریستانی، ۱۳۷۷؛ بی‌نا، ۱۳۸۳. سپس، برابری اسماء الحسنی از این اسامی از منظر اصول و مبانی ادبی و زبان‌شناختی

ترجمه، مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت، لغزش‌های صورت گرفته در امر ترجمه آن‌ها در گروه‌های مختلف دسته‌بندی شد.

۴- تحلیل داده‌ها

اسماء الحسنی، از پربسامدترین مفاهیم به کاررفته در سرتا سر قرآن کریم است. در قرآن مجید، چهار آیه وجود دارد که در آن‌ها، خداوند نام‌های مقدس خود را به عنوان اسماء الحسنی توصیف کرده است. این آیات عبارتند از:

﴿وَاللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (اعراف / ۱۸۰)

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ (اسراء/ ۱۱۰)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾ (طه/ ۸)

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ ۚ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (حشر/ ۲۴)^۳

علامه طباطبایی، در این رابطه می‌نویسد: «اسم در لغت، به معنای "دال بر چیز" است، خواه فقط مشیر به ذات شیء باشد و یا علاوه‌براین، بر معنای وصفی موجود در ذات دلالت کند. واژه حسنی که مؤنث احسن و اسم تفضیل است، مشخص می‌کند که مراد از اسماء در این‌جا، اسمائی است که علاوه بر ذات متعالی حضرت حق، بر معنای وصفی دلالت دارند. همچنین مشخص می‌سازد که این اسماء الهی نه تنها حسن است، بلکه احسن نیز است. بنابراین، اسماء الحسنی، اسماء و اوصافی هستند که بر صفت و کمال حضرت حق دلالت دارند، به گونه‌ای که از هر نقص و عدم خالی است» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۴۴-۳۴۲).

اسماء خداوند، به مقتضای ادله، بسیار کثیر و متعدد است و در حدیثی که از پیامبر نقل شده، تعداد آن ۹۹ تا ذکر شده است. با توجه به اهمیت کاربرد این واژه‌ها در قرآن، در این قسمت، ترجمه ۴۳ مورد از اسماء الحسنی که از ۳۵ منبع مختلف استخراج شده است، به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. فهرست این واژه‌ها به همراه بسامد و مقوله واژگانی آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است. شایان ذکر است که در ستون دوم و سوم جدول (۱)، بسامد وقوع هر کلمه در قرآن ذکر شده است (بدون توجه به کاربرد کلمه) و در ستون چهارم که خود شامل دو قسمت است، بسامد همان واژه به عنوان یکی از اسماء الحسنی ارائه شده است. به بیان دیگر، ستون چهارم جدول، نشان می‌دهد که از مجموع وقوع یک کلمه در قرآن، چند مورد آن در ارتباط با خداوند به کار رفته است.

برای نمونه، ردیف یک جدول، نشان می‌دهد که واژه شکور، به طور کلی ۱۰ بار در هفت سوره قرآن به کار رفته است که از این تعداد، چهار مورد آن که در سه سوره به کار رفته است، مربوط به خداوند است. در ستون پنجم، مقوله واژگانی و نقش نحوی واژه‌ها به آن صورتی که در متن قرآن به کار رفته، تعیین شده است. برای نمونه، واژه شکور در آیه ﴿إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾، صفت و در آیه ﴿وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾، اسم در نظر گرفته می‌شود. در آیه اول، به واسطه این که شکور در جایگاه دوم قرار گرفته است، نقش صفت را برای کلمه غفور ایفا می‌کند؛ اما در آیه دوم که جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است، نقش اسمی دارد. شایان ذکر است که اطلاعات این ستون برگرفته از پیکره عربی قرآنی^۱ دانشگاه لیدز^۲ است. بخش نحوی این پیکره از بانک‌های نحوی The Penn Arabic Treebank، The Columbia Arabic Treebank و The Prague Arabic Dependency Treebank استخراج شده است. در جدول (۱)، حرف N نشان‌دهنده اسم و ADJ، نشان‌دهنده صفت است. اصطلاحات accusative، nominative و genitive به ترتیب نشان‌دهنده حالت فاعلی، مفعولی و اضافی هستند.

جدول ۱: بسامد، مقوله واژگانی و نقش نحوی اسماءالحسنی در متن قرآن

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
شکور	۷	۱۰	۳	۴	N – nominative اسم مرفوع ۶۴:۱۷
					ADJ – nominative صفت مرفوع ۴۲:۲۳؛ ۳۵:۳۴؛ ۳۵:۳۰
غفور	۳۸	۹۱	۳۸	۹۱	N – nominative اسم مرفوع ۲:۱۸۲؛ ۲:۱۹۲؛ ۲:۱۹۹؛ ۲:۲۱۸؛ ۲:۲۲۵؛ ۲:۲۲۶؛ ۲:۲۳۵؛ ۳:۳۱؛ ۳:۸۹؛ ۳:۱۲۹؛ ۳:۱۵۵؛ ۴:۲۵؛ ۵:۳؛ ۵:۳۴؛ ۵:۳۹؛ ۵:۷۴؛ ۵:۹۸؛ ۵:۱۰۱؛ ۵:۵۴؛ ۶:۱۴۵؛ ۶:۱۶۵؛ ۷:۱۵۳؛ ۷:۱۶۷؛ ۸:۶۹؛ ۸:۷۰؛ ۱۰:۷؛ ۱۱:۴۱؛ ۱۱:۱۰۷؛ ۱۲:۹۸؛ ۱۲:۹۸؛ ۱۴:۳۶؛ ۱۴:۴۹؛ ۱۶:۱۸؛ ۱۶:۱۱۰؛ ۱۶:۱۱۹؛ ۲۴:۵؛ ۲۴:۲۲؛ ۲۴:۲۷؛ ۲۸:۱۶؛ ۳۵:۳۰؛ ۳۵:۳۴؛ ۳۹:۵۳؛ ۴۲:۵؛ ۴۲:۵؛ ۴۶:۸؛ ۴۶:۷؛ ۵۰:۱۲؛ ۵۰:۱۴؛ ۵۶:۱؛ ۵۶:۲۰؛ ۷۳:۲۰؛ ۸۵:۱۴
					N – accusative اسم منصوب ۴:۱۵۲؛ ۴:۱۲۹؛ ۴:۱۱۰؛ ۴:۱۰۶؛ ۴:۱۰۰؛ ۴:۹۶؛ ۴:۲۳؛ ۷:۲۵؛ ۱۷:۲۵؛ ۲۴:۲۴؛ ۲۴:۲۵؛ ۳۳:۷۳؛ ۳۳:۵۹؛ ۳۳:۲۴؛ ۳۳:۲۵
					N – genitive اسم مجرور ۴۱:۳۲
					ADJ – accusative صفت منصوب ۳۳:۵؛ ۲۵:۷۰؛ ۱۷:۴۴؛ ۴:۹۹؛ ۴:۴۳؛ ۴۸:۱۴؛ ۳۵:۴۱؛ ۳۳:۵۰
عظیم	۴۵	۱۰۷	۳	۵	ADJ – nominative صفت مرفوع ۹:۵؛ ۹:۲۷؛ ۹:۹۱؛ ۹:۹۱؛ ۹:۹۱؛ ۹:۱۰۲؛ ۱۲:۵۳؛ ۱۲:۵۳؛ ۱۶:۱۱۵؛ ۱۸:۵۸؛ ۲۲:۶۰؛ ۲۴:۳۳؛ ۲۴:۳۳؛ ۲۴:۶۲؛ ۳۴:۲؛ ۳۴:۱۵؛ ۳۴:۲۸؛ ۴۹:۱۴؛ ۴۹:۵؛ ۴۲:۲۳؛ ۳۵:۲۸؛ ۳۴:۱۵؛ ۵۸:۱۲؛ ۶۷:۲
					ADJ – nominative

9

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
					صفت منصوب ۴:۵۸؛ ۴:۱۳۴؛ ۱۷:۱۷؛ ۱۷:۳۰؛ ۱۷:۹۶؛ ۲۵:۲۰ ADJ – nominative صفت مرفوع ۱۷:۱؛ ۲۲:۶۱؛ ۲۲:۷۵؛ ۳۱:۲۸؛ ۳۵:۳۱؛ ۳۵:۴۵؛ ۴۰:۲۰؛ ۴۰:۴۴؛ ۴۰:۵۶؛ ۴۲:۱۱؛ ۴۲:۲۷؛ ۵۸:۱؛ ۴۹:۱۸
حفیظ	۷	۱۱	۳	۳	ADJ – nominative صفت مرفوع ۱۱:۵۷؛ ۳۴:۲۱؛ ۴۲:۶
کریم	۱۹	۲۷	۲	۲	ADJ – nominative صفت مرفوع ۲۷:۴۰ ADJ – genitive صفت مجرور ۸۲:۶
رقیب	۵	۵	۲	۲	N – accusative اسم منصوب ۴:۱؛ ۳۳:۵۲
حکیم	۴۵	۹۷	۴۲	۹۱	N – nominative اسم مرفوع ۶:۱۸؛ ۶:۷۳؛ ۶:۸۳؛ ۶:۱۲۸؛ ۶:۱۳۹؛ ۱۵:۲۵؛ ۱۵:۳۰؛ ۳۴:۸۴؛ ۴۳:۸۴؛ ۵۱:۳۰؛ N – genitive اسم مجرور ۲۷:۶؛ ۴۱:۴۲؛ N – accusative اسم منصوب ۷۶:۳۰ ADJ – nominative صفت مرفوع ۲:۱۲۹؛ ۲:۳۲؛ ۲:۳۰۹؛ ۲:۲۲۰؛ ۲:۲۲۸؛ ۲:۲۴۰؛ ۲:۲۶۰؛ ۳:۶؛ ۳:۱۸؛ ۳:۶۲؛ ۴:۲۶؛ ۸:۶۷؛ ۸:۷۱؛ ۹:۱۵؛ ۹:۲۸؛ ۹:۴۰؛ ۹:۶۰؛ ۹:۷۱؛ ۹:۱۰۶؛ ۹:۱۱۰؛ ۹:۱۲۶؛ ۱۲:۸۳؛ ۱۲:۱۰۰؛ ۱۴:۴؛ ۱۶:۶۰؛ ۲۲:۵۲؛ ۲۴:۱۰؛ ۲۴:۱۸؛ ۲۴:۵۹؛ ۲۴:۵۸؛ ۲۷:۹؛ ۲۹:۲۶؛ ۲۹:۴۲؛ ۲۹:۴۳؛ ۳۱:۹؛ ۳۱:۲۷؛ ۳۴:۲۷؛ ۳۵:۲؛ ۴۰:۸؛ ۴۲:۳؛ ۴۲:۵۱؛

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
					۴۵:۳۷؛ ۴۹:۸؛ ۵۷:۱؛ ۵۹:۱؛ ۵۹:۲۴؛ ۵۹:۵۰؛ ۶۰:۱۰؛ ۶۰:۱۰ ۶۲:۱؛ ۶۲:۲؛ ۶۴:۱۸؛ ۶۴:۳ ADJ – genitive صفت مجرور ۳:۱۲۶؛ ۴۶:۲؛ ۶۲:۱ ADJ – accusative صفت منصوب ۴:۱۱؛ ۴:۱۷؛ ۴:۲۴؛ ۴:۵۶؛ ۴:۹۲ ۴:۱۰۴؛ ۴:۱۱۱؛ ۴:۱۳۰؛ ۴:۱۵۸؛ ۴:۱۶۵؛ ۴:۱۷۰؛ ۳۳:۱ ۴۵:۲؛ ۴۸:۴؛ ۴۸:۷؛ ۴۸:۱۹
مجید	۳	۴	۱	۱	ADJ – nominative صفت مرفوع ۱۱:۷۳
علیم	۴۳	۱۶۳	۴۲	۹۲	N – nominative اسم مرفوع ۲:۲۹؛ ۲:۳۲؛ ۲:۹۵؛ ۲:۱۵؛ ۲:۲۳۱ ۲:۲۴۶؛ ۲:۲۷۳؛ ۲:۲۸۲؛ ۲:۲۸۳؛ ۳:۶۳؛ ۳:۹۲؛ ۳:۱۱۵ ۳:۱۱۹؛ ۳:۱۵۴؛ ۴:۱۲؛ ۴:۲۶؛ ۴:۱۷۶؛ ۵:۷؛ ۵:۹۷ ۸:۴۳؛ ۸:۷۱؛ ۸:۷۵؛ ۱۱:۵؛ ۱۲:۶؛ ۱۲:۸۳؛ ۱۲:۱۰۰ ۱۴:۱۸؛ ۱۴:۲۸؛ ۳۰:۵۴؛ ۳۵:۳۸؛ ۳۹:۷؛ ۴۲:۲۴ ۴۲:۵۰؛ ۴۷:۶؛ ۵۷:۱۰؛ ۶۰:۱۰؛ ۶۲:۷؛ ۶۴:۴؛ ۶۴:۱۱؛ ۶۶:۲ ۶۶:۳؛ ۶۷:۱۳ N – accusative اسم منصوب ۴:۱۱؛ ۴:۱۷؛ ۴:۲۴؛ ۴:۳۲؛ ۴:۳۵؛ ۴:۳۹ ۴:۷۰؛ ۴:۹۲؛ ۴:۱۰۴؛ ۴:۱۱۱؛ ۴:۱۲۷؛ ۴:۱۷۰؛ ۳۳:۱ ۳۵:۴۴؛ ۴۸:۴؛ ۷۶:۳۰ ADJ – nominative صفت مرفوع ۲:۱۱۵؛ ۲:۱۲۷؛ ۲:۱۳۷؛ ۲:۱۵۸ ۲:۱۸۱؛ ۲:۲۲۴؛ ۲:۲۲۷؛ ۲:۲۴۴؛ ۲:۲۴۷؛ ۲:۲۵۶ ۲:۲۶۱؛ ۲:۲۶۸؛ ۳:۳۴؛ ۳:۳۵؛ ۳:۷۳؛ ۳:۱۲۱؛ ۵:۵۴ ۵:۷۶؛ ۶:۱۳؛ ۶:۸۳؛ ۶:۱۱۵؛ ۶:۱۲۸؛ ۶:۱۳۹؛ ۷:۲۰۰ ۸:۱۷؛ ۸:۴۲؛ ۸:۵۳؛ ۸:۶۱؛ ۹:۱۵؛ ۹:۲۸؛ ۹:۴۴؛ ۹:۴۷

۱۶

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
					اسم منصوب ۴۸:۱۱؛ ۳۳:۲؛ ۴:۱۳۵؛ ۴:۱۲۸؛ ۴:۹۴؛ ۳:۱۸۰ N – genitive اسم مجرور ۱۰۰:۱ ADJ – accusative صفت منصوب ۴:۳۵ ADJ – nominative صفت مرفوع ۹:۱۶؛ ۱۰:۳؛ ۷۳:۱۸ ADJ – genitive صفت مجرور ۳۵:۱۴؛ ۱۱:۱ ADJ – accusative صفت منصوب ۲۵:۵۸؛ ۱۷:۹۶؛ ۱۷:۳۰؛ ۱۷:۱۷ ۳۳:۳۴ ADJ – nominative صفت مرفوع ۳۱:۳۴؛ ۳۱:۱۶؛ ۲۴:۵۳؛ ۲۴:۳۰؛ ۲۲:۶۳ ۶۷:۱۴؛ ۶۶:۳؛ ۵۸:۱۳؛ ۴۹:۱۳؛ ۲:۲۷؛ ۳۴:۱
لطیف	۷	۷	۷	۷	N – nominative اسم مرفوع ۶۷:۱۴؛ ۱۰:۳ N – accusative اسم منصوب ۳۳:۳۴ ADJ – nominative صفت مرفوع ۴۲:۱۹؛ ۳۱:۱۶؛ ۲۲:۶۳؛ ۱۲:۱۰۰
قادر	۷	۱۴	۱	۲	N – nominative اسم مرفوع ۶۶:۵۶؛ ۶۶:۳۷
آخر	۱۲	۲۸	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۵۷:۳
واحد	۲۱	۳۰	۱۸	۲۱	N – nominative اسم مرفوع ۳۷:۴؛ ۱۳:۱۶؛ ۴:۱۷۱ ADJ – accusative

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد واژه	تعداد سوره	
					صفت منصوب ۲:۱۳۳؛ ۹:۳۱ ADJ – nominative صفت مرفوع ۲:۱۶۳؛ ۵۱:۷۳؛ ۶:۱۹؛ ۱۲:۳۹؛ ۱۴:۵۲؛ ۱۶:۲۲؛ ۱۸:۱۱۰؛ ۱۶:۵۱؛ ۲۱:۱۰۸؛ ۲۲:۳۴ ۴۱:۶؛ ۳۹:۴؛ ۳۸:۶۵؛ ۲۹:۴۶ ADJ – genitive صفت مجرور ۴۰:۱۶؛ ۱۴:۴۸
جامع	۳	۳	۲	۲	N – nominative اسم مرفوع ۴:۱۴۰؛ ۳:۹؛ ۳:۹
واسع	۶	۹	۹	۶	N – nominative اسم مرفوع ۲:۱۱۵؛ ۲:۲۴۷؛ ۲:۲۶۱؛ ۲:۲۶۸؛ ۵۳:۳۲؛ ۲۴:۳۲؛ ۵۵:۴۳؛ ۷۳:۷۳ N – accusative اسم منصوب ۴:۱۳۰
مالک	۲	۲	۲	۲	N – genitive اسم مجرور ۱:۴ N – accusative اسم منصوب ۳:۲۶
رزاق	۱	۱	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۵۱:۵۸
فتاح	۱	۱	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۳۴:۲۶
وهاب	۲	۳	۲	۳	N – nominative اسم مرفوع ۳۸:۲۵؛ ۳:۸ ADJ – genitive صفت مجرور ۳۸:۹
غفار	۵	۵	۵	۵	N – nominative اسم مرفوع ۲۰:۸۲ N – accusative

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
					اسم منصوب ۷۱:۱۰ ADJ – nominative صفت مرفوع ۳۸:۶۶؛ ۳۹:۵۵ ADJ – genitive صفت مجرور ۴۰:۴۲
تَوَّاب	۶	۱۱	۶	۱۱	N – nominative اسم مرفوع ۲۴:۱۰؛ ۹:۱۱۸؛ ۹:۱۰۴؛ ۲:۱۶۰؛ ۲۰:۱۲۸؛ ۲:۵۴؛ ۲:۳۷ N – accusative participle اسم منصوب ۱۱۰:۳؛ ۴:۶۴؛ ۴:۱۶ ADJ – nominative صفت مرفوع ۴۹:۱۲
قَهَّار	۶	۶	۶	۶	ADJ – nominative صفت مرفوع ۳۸:۶۵؛ ۱۳:۱۶؛ ۱۲:۳۹ ADJ – genitive صفت مجرور ۴۰:۱۶؛ ۱۴:۴۸
غَنی	۱۶	۲۰	۱۵	۱۷	N – nominative اسم مرفوع ۲:۲۶۳؛ ۲:۲۶۷؛ ۳:۹۷؛ ۱۳۳:۱۰؛ ۱۰:۶۸ ۶۴:۶۰؛ ۵۷:۲۴؛ ۳۱:۲۶؛ ۲۹:۶؛ ۳۵:۱۵؛ ۲۲:۶۴ N – accusative اسم منصوب ۴:۱۳۱ ADJ – nominative صفت مرفوع ۲۷:۴۰؛ ۳۱:۱۲؛ ۳۹:۷؛ ۴۷:۳۸
قَیُّوم	۳	۳	۳	۳	ADJ – nominative صفت مرفوع ۲:۲۵۵؛ ۳:۲ ADJ – genitive صفت مجرور ۲۰:۱۱۱
نور	۲۰	۴۳	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۲۴:۳۵

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد واژه	تعداد سوره	
مجبیب	۱	۱	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۱۱:۶۱
مقیب	۱	۱	۱	۱	N – accusative اسم منصوب ۴:۸۵
صمد	۱	۱	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۱۱:۲
حی	۹	۱۳	۵	۵	N – nominative اسم مرفوع ۴۰:۶۵؛ ۳:۲؛ ۲:۲۵۵ N – genitive اسم مجرور ۲۰:۱۱۱؛ ۲۵:۵۸
منتقم	۳	۳	۳	۳	N – nominative اسم مرفوع ۴۴:۱۶؛ ۴۳:۴۱؛ ۳۲:۲۲
متعال	۱	۱	۱	۱	N – nominative اسم مرفوع ۱۳:۹
عفو	۳	۵	۵	۳	N – accusative اسم منصوب ۴:۱۴۹؛ ۴:۹۹؛ ۴:۴۳ N – nominative اسم مرفوع ۵۸:۲؛ ۲۲:۶۰
ودود	۲	۲	۲	۲	N – nominative اسم مرفوع ۸۵:۱۴ ADJ – nominative صفت مرفوع ۱۱:۹۰
رئوف	۸	۱۱	۱۰	۸	N – nominative اسم مرفوع ۲:۱۴۳؛ ۲:۲۰۷؛ ۳:۳۰؛ ۹:۱۱۷؛ ۱۶:۷؛ ۵۹:۱۰؛ ۵۷:۹؛ ۲۴:۲۰؛ ۲۲:۶۵؛ ۱۶:۴۷
اول	۱۷	۲۳	۱	۱	ADJ – nominative صفت مرفوع ۵۷:۳
مقتدر	۳	۴	۲	۲	N – accusative

اسم	تعداد کل سوره‌ها	بسامد کل	صفت خداوند		مقوله واژگانی و نقش نحوی (شماره آیه: شماره سوره)
			تعداد سوره	تعداد واژه	
					اسم منصوب ۱۸:۴۵ N – genitive اسم مجرور ۵۴:۵۵
رشید	۲	۲	۱	۱	ADJ – nominative صفت مرفوع ۱۱:۸۷

در ادامه، به منظور آسیب‌شناسی لغزش‌های صورت‌گرفته، هریک از موارد یافت‌شده، تحت عنوانی مجزا به بحث گذاشته می‌شود و به منظور شناخت بهتر مخاطب از موضوع، نمونه‌هایی ارائه می‌شود^۶:

۴-۱- عدم رعایت اختصار در ترجمه

در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم به زبان فارسی، استفاده از تکنیک بسط، به میزان قابل توجهی گسترش یافته است که این امر می‌تواند ناشی از رویکرد تفسیرگرایانه مترجمان معاصر شیعه بر اساس باورهای مذهبی و مبانی شیعی آن‌ها باشد. در ترجمه‌های قدیمی‌تر، که بیش‌تر تحت‌اللفظی هستند، این رویکرد تفسیرگرایانه بسیار کم‌رنگ است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۳). در برخی از ترجمه‌های موجود، مشاهده می‌شود که مترجم با استفاده از افزوده‌های تفسیری، تلاش کرده که معنی اسامی موردنظر را بدون دغدغه محدودیت الفاظ و کلمات، به زبان فارسی منتقل نماید. ایراد کار آن‌جاست که این توضیحات تفسیری، در داخل پراتز یا پاورقی نیامده و از متن اصلی قرآن متمایز نشده است؛ به همین دلیل، مخاطب متوجه نمی‌شود که کدام قسمت، سخن اصلی متن است که ترجمه شده و کدام قسمت توضیح اضافی مترجم است.

علاوه بر افزوده‌های تفسیری، نمونه‌های متعدد دیگری نیز به چشم می‌خورد که باعث بسط ترجمه می‌شود. برای نمونه، در بسیاری از موارد به چشم می‌خورد که مترجم برای هر یک از این اسماء، برابرنهادی ارائه داده که شامل چند صفت مترادف در زبان فارسی است. به عبارت دیگر، معانی متفاوت همان واژه در زبان فارسی را به صورت عطفی آورده است. در مواردی نیز اگر واژه معادل انتخاب شده در زبان فارسی، دارای همایندی با بسامد وقوع بالا است، ترکیب آن دو را به عنوان معادل قرار داده است. برای مثال:

مترجم	واژه	برابرنهادها در زبان مقصد (فارسی)
کاویان‌پور	حلیم	مهربان و باگذشت (بقره/۲۶۳)
فولادوند	حفیظ	محافظ و مراقب (هود/۵۷)
الهی قمشه‌ای	حفیظ حکیم	رقیب و نگهبان (شوری/۶) به حقایق امور آگاه است (نساء/۲۶)، خدا را کمال قدرت و حکمت است (انفال/۱۰)، در کمال عنایت و حکمت است (توبه/۴۰)، بر تمام مصالح خلق آگاه است (توبه/۶۰)
صفارزاده	حلیم وهاب	با صبر و حوصله و فرصت‌بخشنده (اسراء/۴۴) نعمت‌بخشنده با سخاوت (ص/۳۵)
صادق نوبری	وهاب غفور قهار مجید سمیع	بخشنده بدون عوض و غرض (ال عمران/۸) بخشاینده توبه‌کنندگان و شکرگزاران (سبا/۱۵) هیچ احدی نتواند بر او غالب شود و همه تحت قدرت او مقهور و مغلوبند (یوسف/۳۹) به بندگانش کرامت کرده و بسیار احسان کننده می‌باشد (هود/۹۰) سخنان بندگانش را شنیده (عنکبوت/۵)، سخنان مشرکین را شنیده (انبیاء/۴)
قبادی آدینه‌وند لرستانی	مقیّت	نگهبان- توانا- آگاه (نساء/۸۵)
مشکینی اردبیلی	مجید نور	صاحب کرم و جلال گسترده (هود/۹۰) نور روشنی‌بخش هدایتگر مدبر (نور/۳۵)
بروجردی	نور	روشنایی و نور (نور/۳۵)
صفوی	فتاح	همه چیزها را مشخص می‌سازد و نیکوکاران را از بدکاران جدا می‌کند (سباء/۲۶)

۴-۲- ترجمه واحد از اسامی مختلف

در ترجمه‌های موجود، مواردی به چشم می‌خورد که مترجمان، دقت لازم را در بیان تفاوت‌های میان اسماء، مبذول نداشته‌اند و برای آن‌ها یک معنی واحد در نظر گرفته‌اند؛ حال آن‌که هم‌معنایی مطلق در یک زبان، متفی است؛ زیرا ماهیت وجودی هر واحد به نقشی وابسته است که این واحد را در تقابل با واحدهای دیگر قرار می‌دهد.

دلایل متعدد زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی‌ای را می‌توان برای عدم امکان وقوع هم‌معنایی مطلق در نظام زبان برشمرد، از جمله این‌که، دو واژه به اصطلاح هم‌معنی ممکن است:

(الف) در رابطه شمول‌معنایی^۷ با یکدیگر باشند؛

(ب) به دلیل واژه‌های هم‌نشین نتوانند جایگزین یکدیگر شوند؛

(ج) به گونه‌های زبانی مختلفی تعلق داشته باشند؛

(د) در بار عاطفی با یکدیگر تفاوت داشته باشند و نظیر آن.

شایان ذکر است که گاهی علت انتخاب یک برابر نهاد واحد برای دو واژه، این نیست که مترجم مترادف مطلق آن‌ها را قبول دارد یا معنای دقیق آن‌ها را در زبان مبدأ نیافته است؛ بلکه به آن دلیل است که در زبان مقصد معادل دقیقی برای آن‌ها نیافته است.

در برخی موارد نیز، مشاهده می‌شود که مترجم یکی دیگر از اسماء به‌کار رفته برای خداوند را، به عنوان معادل واژه موردنظر برگزیده است. با وجود اشتراکات معنایی که برخی از این اسماء با یکدیگر دارند، نمی‌توان دو واژه را به جای یکدیگر به‌کار برد؛ زیرا این موضوع باعث می‌شود که متن، انسجام خود را از دست داده و یا در برخی موارد، مفهوم آیه، دستخوش تغییر شود. نمونه‌هایی از این دست در ذیل، ذکر شده است:

مترجم	واژه	برابرها در زبان مقصد (فارسی)	برابرها پیشنهادی
ارفع فارسی	مقیّت/ حفیظ	مراقب (نساء/۸۵) / مراقب (شوری/۶) نگهبان (نساء/۸۵) / نگهبان (شوری/۶)	مقیّت (مراقب)، حفیظ (نگهبان)
قوشی بنایی	کبیر/عظیم	بزرگ (رعد/۹) / بزرگ (حافه/۳۳)	کبیر (بزرگ)، عظیم (شکوهمند/باشکوه)
مصباح زاده قوشی بنایی	علیم/خبیر	دانا (حج/۵۹) / دانا (بقره/۲۳۴) دانا (حج/۵۹) / دانا (بقره/۲۷۱)	علیم (دانا)، خبیر (آگاه)
رضائی اصفهانی/ رهنما/سراج/ عاملی طاهری قزوینی	قادر/مقتدر	توانا (انعام/۶۵) / توانا (قمر/۴۲) توانا (انعام/۶۵) / توانا (قمر/۵۵)	قادر (توانا)، مقتدر (توانمند)

همان‌طور که در نمونه‌ها آورده شده است، واژه‌های مشتقی، همانند قادر و مقتدر، اگرچه دارای ریشه واحد هستند، اما از نظر وزن با هم تفاوت دارند و همین تفاوت در وزن، منجر به تمایزهای معنایی ظریفی میان آن‌ها می‌شود که معمولاً تفاوت میان این نوع مترادف‌های نزدیک از ریشه واحد، لحاظ نشده است. در زبان فارسی، امکان جداسازی این صیغه‌های مختلف در مقام ترجمه وجود دارد. به عنوان نمونه، در زبان فارسی اسم فاعل با افزودن پسوند - نده به ستاک، حال ساخته می‌شود؛ همچنین با افزودن پسوند "ا" به ستاک حال، می‌توان صفتی ساخت که معمولاً معنای فاعلی می‌دهد و از پایداری بیش‌تری نسبت به اسم فاعل عادی برخوردار است و می‌تواند معادلی برای صفت مشبّه عربی، دست کم در مواردی باشد که صفت مشبّه بر معنای فاعلی دلالت دارد (پاکتچی، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

۴-۳- حذف بی‌جا

اهمیت حذف و ضرورت آن در کلام برای اختصار و تخفیف، بر کسی پوشیده نیست و این‌که مخاطب باید از روی ذکاوت به مورد محذوف دست یابد، موضوعی پذیرفته‌شده است. این قاعده زبانی به وفور در سراسر متن قرآن مشاهده می‌شود. حذف‌های قرآنی برای

برجسته‌ساختن پیامی خاص، خروج از یکنواخت‌بودن و ایجاد فضایی ویژه از مفاهیم، شکل می‌یابد. به عبارت دیگر، توازنی بسیار دقیق در ذکر عناصر و اجزای آیات یا حذف آن‌ها مشاهده می‌شود که سیاق کلی آیات، راهنما و معیاری برجسته در تعیین ذکر یا حذف این عناصر است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴). با این وجود، مترجمان قرآن همواره باید این موضوع را در خاطر داشته باشند که نظام واژگانی قرآن، مبتنی بر تدبیر است و هر واژه‌ای هدفی را دنبال می‌کند؛ لیکن حذف بی‌دلیل هریک از آن‌ها در ترجمه، می‌تواند محتوای واقعی کلام را خدشه‌دار سازد. در مورد ترجمه اسماء خداوند، مواردی به چشم می‌خورد که حذف بدون هیچ توجیهی صورت گرفته است، برای مثال:

مترجم	واژه	برابرها در زبان مقصد (فارسی)
قرشی بنایی	علیم	ندارد (روم/۵۴)
رهنما	علیم حفیظ مقیّت	ندارد (زخرف/۹) ندارد (سبا/۲۱) ندارد (نساء/۸۵)
صادق نوبری	مقیّت کریم واسع	ندارد (نساء/۸۵) ندارد (نمل/۴۰، انفطار/۶۷) ندارد (بقره/۲۴۷)
قبادی آدینه‌وند لرستانی	حسب	ندارد (نساء/۶۷)
مشکینی اردبیلی	حکیم	ندارد (بقره/۲۲۸)
پاینده	مجید	ندارد (هود/۹۰)

۴-۴- عدم ارائه برابرها برای معادل‌های معمول و قابل فهم

در هر دوره‌ای، نیاز به ترجمه جدید از قرآن است که در آن نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل‌ها براساس واژه‌های جدید و مناسب فهم مخاطبان آن زمان، صورت بگیرد. به عبارت دیگر، هرگاه مخاطبین ترجمه قرآن، عموم باشند و نه یک گروه خاص، باید از واژه‌های رسا و قابل فهم برای عامه مردم یا همان نثر معیار بهره‌گرفت تا مخاطب برای فهم آن دچار مشکل نشود. وجود واژه‌های نامأنوس و نه چندان آشنا در متن، باعث می‌شود که متن مورد

نظر شیوا و روان نباشد و علاوه برآن، در انتقال معنا نیز با کاستی مواجه شود. چنین انتخاب‌هایی تا حدودی از اعتبار یک ترجمه می‌کاهد. استفاده از معادل‌های آشنا، یکی از شیوه‌های روان‌سازی متن ترجمه است، با این وجود، برخی از مترجمان معاصر قرآن، برابر نهادهایی برای این اسامی وضع کرده‌اند که در زبان فارسی امروزی کاربرد چندانی ندارد، برای نمونه:

مترجم	واژه	برابر نهادها در زبان مقصد (فارسی)	برابر نهاد پیشنهادی
فارسی قرشی بنایی	وهاب	نعمت‌ریز (ص/۳۵) عطاگر (ص/۹)	بخشنده
موسوی گرم‌ارودی	قهار	دادفرما (ص/۶۵، رعد/۱۶.....)	چیره، غالب
پاینده	ودود	مودت‌شعار (هود/۹۰، بروج/۱۴)	دوست‌دار (نده)
عاملی برزی طاهری قزوینی فارسی	واسع	گشاده‌توان (ال‌عمران/۷۳)، گشاده مغفرت (نجم/۳۲) گشایشمند (نور/۳۲) فراخی‌بخش (ال‌عمران/۷۳) فراخی‌دهنده (بقره/۲۶۷)	فراگیرنده
خرم‌دل	حکیم	کار بجا (تغابن/۱۸، تحریم/۲)	فرزانه
صادق‌نوبری	غنی	بی‌احتیاج (نمل/۴۰)	بی‌نیاز
صلواتی	منتقم	انتقام می‌کشیم (سجده/۲۲، دخان/۱۶)	انتقام‌گیرنده (در این مورد انتقام می‌گیریم)
سراج مصباح‌زاده	عفو	گذشت‌پیشه (نساء/۴۳) درگذرنده (نساء/۱۴۹/۹۹/۴۳)	عفوکننده

۴-۵- عدم ترجمه اسامی

یکی از شیوه‌های معادل‌یابی، انتقال است؛ به این معنی که یک واژه، تعبیر یا قالب بیانی، به‌طور مستقیم از زبان مبدا وارد زبان مقصد می‌شود. انتظار می‌رود زمانی مترجم دست به این کار بزند که یا معادلی در زبان مقصد برای واژه یافت نمی‌شود، یا به سختی یافت می‌شود و یا ترجمه با اقتضائات زبان دوم ناسازگار است. در برخی از ترجمه‌های معاصر قرآن، مشاهده

واکاوی چالش‌های برابری اسماء الحسنی در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم _____ فرزانه تاج آبادی

می‌شود که اسامی موردنظر، به زبان فارسی ترجمه نشده‌اند و عیناً همان واژه به‌کار رفته است؛ حال آن‌که شرایط ذکرشده برای به‌کارگیری تکنیک انتقال، وجود نداشته و در زبان فارسی، معادلی برای آن واژه وجود داشته است. برای نمونه:

مترجم	واژه	برابرها در زبان مقصد (فارسی)	برابرها پیشنهادی
فارسی	عظیم	عظیم (حاقه/۳۳)	شکوهمند/ باشکوه
قبادی آدینه‌وندلرستانی	حلیم	حلیم (بقره/۲۲)	بردبار
آیتی/ ارفع/ برزی/ پورجواد/ کاویان‌پور فولادوند/ فارسی/ طاهری قزوینی/ الهی قمشه‌ای	قادر	قادر (انعام/۶۵) قادر (انعام/۳۷)	توانا
مکارم شیرازی	قیوم	قیوم (طه/۱۱۱)	قائم به ذات
آیتی/ برزی/ پاینده/ فارسی/ مشکینی اردبیلی/ طاهری قزوینی	مقتدر	مقتدر (قمر/۴۲)	توانمند
آیتی	متعال	متعال (رعد/۹)	برین/ والا
برزی/ قرشی بنایی	رزاق	رزاق (ذاریات/۵۸)	بسیار روزی‌دهنده

باید توجه داشت که نقش معادل‌گزینی در طبیعی‌سازی ترجمه و پذیرفتنی ساختن آن، دو سویه است و صرفاً در استفاده از واژگان عربی نیست. شایان ذکر است، در مورد برخی از اسماء، مانند نور و قوی که واژه عربی نزد فارسی‌زبانان، آشناتر و کاربردی‌تر است، نیازی به ارائه برابرها نیست. به دلیل بسامد بالای کاربرد این وام‌واژه‌ها^۸ در زبان فارسی، معنای آن‌ها برای گویش‌وران فارسی کاملاً روشن است.

۴-۶- عدم توجه به یکسان‌سازی ترجمه ساختارهای نحوی مشابه

این بحث تا حدی مربوط به زبان‌شناسی مقابله‌ای^۹ است. مترجم پیش از آغاز ترجمه، باید تصویر روشنی از ساختارهای معادل عناصر نحوی داشته باشد و ترجمه‌های یکسانی را برای ساختارهای یکسان - به شرط آن‌که معنای همانند و همسان داشته باشند - ارائه دهد (جواهری، ۱۳۸۳).

در قرآن، ۵۷ آیه از ساخت "کان" وجود دارد که مسند آن، صفت مشبیه است و در اکثر آن‌ها مسند "کان" وصف خداوند است. حاجی اسماعیلی و همکارانش معتقدند از آنجایی که همه صفات خداوند، هم دارای ثبوت است و هم دارای مبالغه، پس در این موارد بهتر است که در ترجمه صفات مشبیه و صیغه‌های مبالغه برای خداوند، از صفت مطلق فارسی استفاده شود، بدون قید دال بر ثبوت یا کثرت. در همه این آیات، "کان" به صورت فعل ربطی - تأکیدی است که با قید همواره یا پیوسته ترجمه می‌گردد. وجود "کان" در این گونه آیات، بیانگر نوعی مفهوم تأکید است که در جمله‌های بدون "کان" این تأکید وجود ندارد (حاجی اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

به طور خلاصه، می‌توان گفت، هرگاه صفت مشبیه و یا صیغه مبالغه به عنوان مسند "کان" و برای خداوند به کار رفته باشد، به صورت صفت مطلق و "کان" به صورت "است"، همراه با قیدی مانند "همواره"، ترجمه می‌شود. در غالب ترجمه‌های موجود، این موضوع رعایت نشده است و وحدت رویه‌ای در ترجمه آن‌ها مشاهده نمی‌شود؛ به‌ویژه در مواردی که دو مسند وجود دارد، یعنی در ساخت‌های "کان + اسم خبر + خبر دوم".

مترجم	واژه	برابر نهادها در زبان مقصد (فارسی)	
سراج	كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا	خداوند پیوسته دانا و درست‌کردار است (نساء/۱۰۴)، خداوند دانا و درست‌کردار است (نساء/۹۲) خداوند همواره دانا و حکیم است (نساء/۱۰۴)، خداوند دانا و حکیم است (نساء/۹۲)	
مشکینی اردبیلی			
مشکینی اردبیلی		كَانَ اللَّهُ عَزُورًا رَحِيمًا	خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (نساء/۱۵۲/ ۱۰۰) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است (نساء/۹۶)
خرم‌دل			خداوند بسی آمرزنده و مهربان است (نساء/ ۱۰۰) خداوند آمرزنده و مهربان است (نساء/ ۹۶، احزاب/ ۵۰) خداوند بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است (نساء/۱۵۲) خداوند آمرزنده و مهربان بوده و هست (احزاب/۵۹) پیوسته خدا آمرزگار و مهربان بوده و هست (احزاب/۵)

۴-۷- عدم توجه به رابطه تقابل^{۱۰} معنایی

در میان اسماء الهی، زوج‌هایی از اسماء متقابل، مانند اول و آخر، خافض و رافع، قابض و باسط، هادی و مضل، ظاهر و باطن، بشیر و نذیر و نظایر آن وجود دارد که در ترجمه آن‌ها باید به این تقابل توجه داشت. به بیان دیگر، ابتدا باید نوع تقابل میان آن‌ها از جمله تقابل مکمل^{۱۱} (متضاد/ دوگانه)، مدرج^{۱۲} و مانند آن را مشخص کرد و سپس با توجه به نوع رابطه، معادلی مناسب انتخاب کرد.

رابطه میان واژه‌های متقابل، ممکن است بی‌فاصله یا بافاصله باشد؛ به این معنی که ممکن است این دو واژه در کنار یکدیگر و در یک آیه به کار روند یا در دو آیه متفاوت، ولی متوالی و مرتبط با یکدیگر به کار رفته باشند. تقابل معنایی، علاوه بر این که روشی برای ارزیابی هم‌معنایی است، یعنی اگر دو واژه دارای واژه‌های متقابل یکسانی باشند، می‌توان آن‌ها را هم‌معنا نامید، می‌تواند در درک و فهم بهتر و دقیق‌تر مفهوم خود واژه‌های متقابل و نیز ترجمه درست آن‌ها مؤثر باشد. در حقیقت، درک و فهم مفهوم یک واژه به کمک جفت متقابل آن، آسان‌تر است. افزون بر این، این تقابل‌ها گاهی عامل اصلی اتصال و ارتباط معنایی کلام است و باعث ایجاد انسجام در متن می‌شود که ترجمه نامناسب آن‌ها می‌تواند از میزان انسجام و پیوستگی معنایی بکاهد. برای نمونه:

مترجم	واژه	برابرها	برابرهادهای پیشنهادی
نوبری	اول/ آخر	وجودش مقدم بر اشیاء / وجودش باقی و فنا ناپذیر (حدید/۳)	آغاز/ انجام، آغاز/ پایان، اول /
پاینده		ازلی / ابدی (حدید/۳)	آخر

در ترجمه نوبری، مقدم بر اشیاء بودن در تقابل با باقی و فناپذیر بودن، نیست. در ترجمه ارائه شده از سوی پاینده نیز، اگرچه ازلی و ابدی در تقابل هستند، ولی معادل دقیقی برای دو واژه اول و آخر محسوب نمی‌شوند.

۴-۸- تعدیل‌های ساختاری غیرضروری

گاهی لازمه انتقال روان معنا، تغییر نقش دستوری کلمات است. این شیوه، یعنی جایگزین کردن بخشی از گفتمان با بخشی دیگر، بی‌آن‌که محتوای پیام تغییر کند، «تعدیل» نامیده می‌شود. براساس این قضیه، می‌توان در ترجمه، بدون ایجاد تغییر در معنا، ساختار را تغییر داد. تعدیل در ساخت، یعنی ایجاد تعدیل در ساخت دستوری زبان مبداء.

در این صورت، مترجم اسم را به فعل، فعل را به قید، فعل را به اسم یا قید و نظیر آن ترجمه می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۹۰).

تفاوت ساختارهای دو زبان عربی و فارسی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که انتقال معنا را با دشواری مواجه می‌سازد. لازمه گذشتن از این مانع، تبدیل ساخت زبان مبداء در لایه‌های مختلف آن، طی فرایند ترجمه به ساختارهایی متناسب با زبان مقصد است. با این وجود، مترجم باید توجه داشته باشد که دست زدن به هر تغییری، مجاز نیست و گاهی اوقات زیاده‌روی در تعدیل‌های ترجمه‌ای، عیب شمرده می‌شود و موجب از دست رفتن برخی ویژگی‌های اساسی متن مبداء، همچون تأکیدهای نویسنده بر امری خاص و یا خصوصیات زیبایی‌شناختی آن می‌شود (زرکوب و صدیقی، ۱۳۹۲).

یکی از مواردی که به کرات در مورد ترجمه اسماءالحسنی به چشم می‌خورد، همین تغییر مقوله واژگانی آن‌ها است. دو ایراد اساسی در رابطه با این موضوع وجود دارد: استفاده نابجا و استفاده بیش از اندازه از این شیوه.

منظور از استفاده نابجا، این است که در بسیاری از موارد با این‌که معادل مناسب از نظر یکسان‌بودن مقوله واژگانی در زبان فارسی وجود دارد و مترجم نیازی به استفاده از تکنیک تعدیل ندارد، از آن استفاده می‌کند. برای مثال:

مترجم	واژه	برابرها	نوع تعدیل	برابرنهاد پیشنهادی
صادق نوبری	رزاق	به کثرت و وفور روزی می‌دهد (ذاریات/۵۸)	صفت(صیغه مبالغه) ← فعل	بسیار روزی بخش/ بسیار روزی دهنده (روزی ده)
نوبری	غفور	توبه‌کنندگان را می‌بخشد (ال عمران/۱۵۵)	صفت (صیغه مبالغه) ← فعل	(بسیار) آمرزنده
کاویان پور		خواهد بخشید(اسراء/۲۵)	صفت(صیغه مبالغه) ← فعل	آمرزنده
مکارم شیرازی		می‌بخشد(اسراء/۴۴)	صفت(صیغه مبالغه) ← فعل	آمرزنده

۴-۹- عدم توجه به تفاوت معنایی واژه‌ها در بافت‌های مختلف

از نظر شناختی، واژگانی که معنای خود را در ذهن تثبیت کرده‌اند، هنگام اسناد به معنا و مفهومی دیگر، مشکل‌آفرین می‌شوند. به عبارت دیگر، زمانی که دو مفهوم را به دو واژه مختلف ربط می‌دهیم، مشکل کم‌تری داریم تا این‌که بخواهیم یک واژه مشترک را به دو مفهوم متفاوت وابسته کنیم و هم‌زمان دقت کافی داشته باشیم تا مدلول‌های متفاوت را به اشتباه جایگزین یکدیگر نکنیم.

چنین واژگانی، چالش مهمی را فراروی مترجمان قرار می‌دهند و عدم آشنایی مترجم با این تفاوت‌ها، باعث اشتباه در برداشت معنا و مقصود متن اصلی می‌شود. برای نمونه، در آیه «قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ» (سبأ/۲۶)، مترجمان برابرنهادهای گشاینده، کارگشا و گشایشگر را برای واژه "فتّاح"، برگزیده‌اند، حال آن‌که معادل انتخاب‌شده، با توجه به معنی بخش اول آیه، با مضمون آیه همخوانی ندارد. فتّاح، در اصل به معنای گشاینده است؛ اما اگر ماده «فتح»، با عبارتی مانند «بَيْنَنَا» بیاید، به معنای داوری (گشایش میان دو طرف دعوا و جدا کردن اطراف منازعه)، خواهد بود. این نمونه‌ها به خوبی تأثیر واژه‌شناسی در ترجمه قرآن را نشان می‌دهد.

مترجم	واژه	برابرها در زبان مقصد (فارسی)	برابرها در پیشنهاد پیشنهادی
معزی	فتاح	گشاینده (سبأ ۲۶)	حکم‌کننده / داور
یاسری		کارگشا (سبأ ۲۶)	
صلواتی		گشایشگر (سبأ ۲۶)	

۴-۱۰- عدم رعایت نظم و همگونی در ترجمه

همسان‌سازی معادل‌های کلمات، کاری دشوار، ولی ضروری است؛ چرا که این همسان‌سازی، نظم کلمات و آیات و همگونی آن‌ها را در ترجمه منعکس می‌سازد (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۱۲) و به حفظ اصل و وحدت رویه در ترجمه قرآن می‌انجامد.

اصول یکسان‌سازی ترجمه، عبارت است از: یکسان‌سازی در ترجمه اسم‌ها؛ فعل‌ها؛ حروف؛ ترکیب‌ها و عبارت‌ها؛ و ساختارهای صرفی و نحوی مشابه. بنابراین، در این موارد لازم است که از قبل، معادل‌یابی دقیق انجام شود و بر اساس آن، سراسر متن، یکسان‌سازی شود.

یکی از مواردی که مترجمان در ترجمه قرآن به آن توجه کافی نکرده‌اند، همین یکسانی و هماهنگی در برگرداندن اسامی یکسان در قرآن است. در واقع، مترجم بدون دلیل، اسامی یکسان در زبان مبدأ را به گونه‌ای ناهمسان در زبان مقصد، ترجمه کرده است. تنها دلیل قانع‌کننده‌ای که می‌توان با تمسک به آن، از این اصل عدول کرد، در پاره‌ای از موارد، مشترک لفظی بودن یک واژه است که در چنین مواردی نیز لازم است که در مورد هر معنا، ترجمه یکسان و هماهنگ ارائه کرد (کریمی‌نیا، ۱۳۷۶).

شایان ذکر است با وجود تمام ایراداتی که به ترجمه‌های تحت اللفظی وارد است، از آنجایی که این ترجمه‌ها بیش‌ترین میزان وابستگی و تقید به متن مبدأ را دارند و این اسامی در متن مبدأ به شکل یکسان به کار رفته‌اند، در اکثر موارد، یکسان‌سازی در ترجمه این

اسامی رعایت شده است که این امر از موارد قوت آن‌ها برشمرده می‌شود (ناصری و همکاران، ۱۳۹۳). به نمونه‌هایی از این ناهمگونی‌ها در ذیل اشاره شده است:

مترجم	واژه	برابرها در زبان مقصد (فارسی)
آیتی	حفیظ	نگهبان (هود/۵۷)، مراقب (شوری/۶)
خرم‌دل	کریم حی	صاحب کرم (نمل/۴۰)، بزرگوار (انفطار/۳) زنده (بقره/۲۵۵)، زنده به خود (ال عمران/۲)، زنده جاوید (غافر/۶۵)، باقی و جاویدان (طه/۱۱۱)
پاینده	غفور	بخشنده (بقره/۱۷۳)، آمرزگار (بقره/۱۹۲)، آمرزنده (بقره/۲۳۵)
معزی	قهار	خشم‌آور (زمر/۴)، چیرگی جوی (رعد/۱۶)، سخت‌گیر (یوسف/۳۹)
فولادوند	رقیب	نگهبان (نساء/۱)، مراقب (احزاب/۵۲، مائده/۱۱۷)
قبادی آدینه‌وند لرستانی	واسع	گسترده‌آمزش (نجم/۳۲)، گشایشگر (بقره/۱۱۵)، وسعت‌دهنده (بقره/۲۴۷)، وسیع (مائده/۵۴)، گشایش‌دهنده (بقره/۲۴۶)
صفارزاده	حلیم مالک	صاحب حوصله (بقره/۲۲۵)، مهلت‌دهنده (بقره/۲۳۵)، روادار خلق (بقره/۲۶۳)، صاحب حلم (ال عمران/۱۵۵)، مهلت‌بخشنده (نساء/۱۲)، باحوصله و بردبار (مائده/۱۰۱)، فرصت‌دهنده (تغابن/۱۷) یگانه فرمانروا (حمد/۴)، مالک حکومت‌ها (ال عمران/۹۴)
الهی قمشه‌ای	حکیم	حکیم (هور/۱)، توانا (بقره/۲۰۹)، توانا و دانا (بقره/۲۲۰)، دانا (انفال/۴۹)، به حقایق امور آگاه است (نساء/۲۳۶)، درست‌کردار (انعام/۱۲۸)، خدا را کمال قدرت و حکمت است (انفال/۱۰)، درست‌کردار (انعام/۱۲۸)، کارش از روی حکمت است (انفال/۶۷)، درستکار (انفال/۷۱)، در کمال عنایت و حکمت است (توبه/۴۰)، آگاه (ممتحنه/۱۰)، بر تمام مصالح خلق آگاه است (توبه/۶۰)

۴-۱۱- ارائه ترجمه‌های متفاوت برای همایندهای یکسان

در میان اسماء الهی، زوج‌هایی وجود دارد که در اکثر موارد با یکدیگر به‌کار رفته و ترتیب باهم‌آیی آن‌ها در کل قرآن حفظ شده است؛ برای نمونه "سمیع بصیر" و "رحمن رحیم". به این اسماء، اسامی مزدوج گفته می‌شود که شیوه باهم‌آیی و ترتیب قرارگرفتن آن‌ها، بی‌شک معنادار و هدفمند است. منظور از باهم‌آیی، وقوع دو یا چند واژه در کنار هم، با فاصله

کوتاهی درون یک پیکره زبانی، است که از بسامد بالایی برخوردار است به گونه‌ای که نتوان این وقوع را تصادفی دانست (Sung, ۲۰۰۳: ۱۲).

رابطه بین جفت واژه‌های مربوط به صفات خداوند، یک رابطه اسنادی بی‌فاصله است (آهنگر و میکده، ۱۳۹۵). رابطه اسنادی، به رابطه‌ای اطلاق می‌شود که در آن همایی اسم و صفت منجر به باهم‌آیی واژگانی می‌شود. این کلمات، به دلیل کثرت حضور مشترک در یک بافت یکسان، همدیگر را تداعی می‌کنند؛ لذا در ترجمه آن‌ها نیز، باید دقت لازم به عمل آید. با این وجود، در برخی موارد ملاحظه می‌شود که مترجم به این نکات توجه نداشته و ترجمه‌های متفاوتی برای باهم‌آیی‌های یکسان ارائه کرده است.

ثبات معادل‌گزینی برای ترکیبات باهم‌آیند قرآنی که نشان از دقت مترجم و انسجام ترجمه دارد، ملاکی برای ارزیابی عملکرد مترجم محسوب می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود هر مترجم در معادل‌گزینی باهم‌آیی‌ها، ثبات داشته باشد و از آوردن معادل‌های ناهمگون در ترجمه یک ترکیب یکسان، خودداری کند. این ناهماهنگی، به نوعی عدم رعایت یکسان‌سازی ساختارهای مشابه که در بند ۴-۱۰ به آن اشاره شد، محسوب می‌شود. برای مثال:

مترجم	عبارت	برابرنهادها در زبان مقصد (فارسی)
قبادی آدینه‌وند لرستانی ارفع الهی قمشه‌ای	السمیع العلیم	شنوا و آگاه (فصلت/۳۶)، شنوا و دانا (عنکبوت/۶۰)، شنوا و بسیار دانا (بقره/۲۴۷) شنوا و آگاه (انعام/۱۳)، شنوا و دانا (انعام/۱۱۵) شنوا و آگاه (ال عمران/۳۵)، شنوا و دانا (انعام/۱۳)
برجوردی پاینده عاملی	التواب الرحیم	بخشنده و مهربانی (بقره/۱۲۸)، من توبه‌پذیر و به خلق مهربانم (بقره/۱۶۰)، خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است (حجرات/۱۲) خدا توبه‌پذیر و رحیم است (توبه/۱۰۴)، بخشنده و مهربانم (بقره/۱۶۰)، که تو بخشایشگری و رحیم (بقره/۱۲۸) او بسیار عذرپذیر و مهربانی کند (بقره/۵۴)، او توبه‌پذیر است و مهربان (حجرات/۱۲)

۵- نتیجه‌گیری

هرچند ماهیت ترجمه قرآن به گونه‌ای است که از هیچ ترجمه‌ای انتظار نمی‌رود که تمامی مفاهیم، معانی و ظرافت‌های زبانی این متن مقدس را به متن مقصد انتقال دهد، از مترجمان این متن مقدس انتظار می‌رود که با دقت، حساسیت و نکته‌بینی بیش‌تری به این امر بپردازند. واکاوی برابرهادهای فارسی اسماء الحسنی در ترجمه‌های معاصر قرآن، که به منظور تشخیص آسیب‌های فنی و ادبی ترجمه آن‌ها صورت گرفته، نشان داد که در پاره‌ای موارد، مترجمان برخی از اصول و مبانی ترجمه را نادیده انگاشته‌اند که این امر از دقت ترجمه آن‌ها کاسته است. این موارد عبارت‌اند از:

- ۱- عدم رعایت نظم و همگونی در ترجمه؛
- ۲- عدم رعایت اختصار در ترجمه؛
- ۳- ترجمه واحد از اسامی مختلف؛ حذف بی‌دلیل؛
- ۴- عدم ارائه برابرهادهای معمول و قابل فهم؛
- ۵- عدم ترجمه اسامی؛
- ۶- عدم رعایت وحدت معادل برای همایندهای قرآنی (اسامی مزدوج)؛
- ۷- عدم توجه به یکسان‌سازی ترجمه ساختارهای نحوی مشابه؛
- ۸- عدم توجه به رابطه تقابل معنایی؛
- ۹- تعدیل‌های ساختاری غیرضروری؛
- ۱۰- عدم توجه به تفاوت معنایی واژه‌ها.

شایان ذکر است که تفاوت‌های موجود بین دو زبان فارسی و عربی در سطوح مختلف زبانی و به‌خصوص غنی‌تر بودن نظام واژگانی زبان عربی نسبت به زبان فارسی، امر یافتن برابرهادهای مناسب و دقیق را برای مترجمان دشوار ساخته و عامل اصلی برخی از این لغزش‌ها است. امید است مترجمان قرآن، با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌هایی از این

دست، ترجمه‌ای دقیق‌تر و صحیح‌تر از این متن مقدس، ارائه کنند. در پایان، ذکر این نکته ضروری است که تمامی برابرندهای ارائه شده توسط نگارنده، صرفاً برابرندهای پیشنهادی است نه برابرنهادهای قطعی.

۶- پی‌نوشت

۱. این مقالات بیشتر در مجلات مترجم، بینات و ترجمان وحی منتشر شده است. فهرستی از این مقالات را هادی حجت در مجله ترجمان وحی، شماره ششم گردآوری کرده است.
۲. قرآن فرهنگستان، یکی از نسخه‌های خطی گنجینه بزرگ قرآنی آستان قدس رضوی است که مترجم آن ناشناخته است. دکتر علی رواقی، به درخواست فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را تصحیح و مقابله کرده است.
۳. علاوه بر این موارد، آیات دیگری همچون آیات ۳۳-۳۱ سوره بقره نیز وجود دارد که در آن اسماء خداوند، بدون ذکر صفت حُسنی مطرح شده است.

4. The Quranic Arabic Corpus

5. Leeds University

۶. نمونه‌های ذکرشده، تنها بخشی از موارد مشاهده شده است.

7. hyponymy

8. loanword

9. contrastive linguistics

10. opposition

11. complementary opposition

12. gradable opposition

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، تهران: سروش، (۱۳۷۵ش).
- ۲- آهنگر، عباسعلی و میکده، اعظم، «واکاوای زبان‌شناختی باهم‌آیی واژگانی در قرآن مجید: شواهدی از سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم و طه»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۰، صص ۵۸-۳۳، (۱۳۹۵ش).
- ۳- آیتی، عبدالمحمد، قرآن مجید، تهران: سروش، (۱۳۸۲ش).

- ۴- آینه‌وند، صادق و نیازی، شهریار، «معناشناسی اسماء الحسنی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۲-۴۱، شماره ۱۵۴-۱۵۳، صص ۱۸-۱، (۱۳۷۹ش).
- ۵- الهی قمشه‌ای، مهدی، *القرآن المجید*، قم: فاطمه الزهراء، (۱۳۸۰ش).
- ۶- انصاریان، حسین، *قرآن مجید*، قم: چاپخانه بزرگ قرآن، (۱۳۸۳ش).
- ۷- بایرک، توسن، *زیباترین نامها*، پریچهر فرجادی، تهران: آئین تفاهم، (۱۳۷۹ش).
- ۸- برزی، اصغر، ترجمه قرآن و نکات نحوی قرآن کریم، تهران: بنیاد قرآن، (۱۳۸۳ش).
- ۹- بروجردی، سیدابراهیم، ترجمه و تفسیر جامع، تهران: صدر، (۱۳۶۶ش).
- ۱۰- بی‌نا، *قرآن فرهنگستان (دهم هجری)*، (۱۳۸۳)، تصحیح علی رواقی، تهران: آثار، (۱۳۸۳ش).
- ۱۱- پاکتچی، احمد، ترجمه شناسی قرآن کریم: رویکرد نظری و کاربردی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، (۱۳۹۲ش).
- ۱۲- پاینده، ابوالقاسم، *قرآن مجید*، تهران: جاویدان، (۱۳۷۵ش).
- ۱۳- پورجوادی، کاظم، *قرآن مجید*، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، (۱۳۷۲ش).
- ۱۴- جواهری، سیدمحمدحسن، «پژوهشی در اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن»، پژوهش و حوزه، سال ۵، شماره ۲۰-۱۹، صص ۷۳-۴۹، (۱۳۸۳ش).
- ۱۵- حاجی اسماعیلی، محمدرضا، شکرانی، رضا و کیانی، زهره، «بررسی ساخت‌های گوناگون "کان"ی ناقصه در قرآن و نقد دیدگاه مترجمان در برابریابی فارسی آن»، *ادب عربی*، سال ۸، شماره ۱، صص ۷۶-۵۹، (۱۳۹۵ش).
- ۱۶- حجت، هادی، *عیار نقد برتر ترجمان وحی*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (۱۳۷۹ش).
- ۱۷- حجتی، مهدی، *گلی از بوستان خدا*، قم: بخشایش، (۱۳۸۴ش).
- ۱۸- خرم‌دل، مصطفی، ترجمه قرآن، تهران: احسان، (۱۳۸۴ش).
- ۱۹- خرمشاهی، بهاء‌الدین، *قرآن کریم*، تهران: نیلوفر، (۱۳۸۶ش).
- ۲۰-، *هفتاد بحث و تحقیق قرآنی*، تهران: مرکز نشر فرهنگی مشرق، (۱۳۷۲ش).
- ۲۱- خوانین‌زاده، محمدعلی، *معناشناسی اسماء الحسنی در قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق، (۱۳۸۹ش).

- ۲۲- دهلوی، شاه ولی الله، *القرآن الکریم*، مدینه: مجمع ملک فهد طباعه المصحف الشریف، (۱۴۱۷ق).
- ۲۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی، *منطق ترجمه قرآن*، قم: مرکز جهانی علوم انسانی، (۱۳۸۶ش).
- ۲۴-، *ترجمه قرآن*، قم: دارالفکر، (۱۳۸۳ش).
- ۲۵- رهنما، زین العابدین، *قرآن مجید با ترجمه و تفسیر*، تهران: چاپ کیهان، (۱۳۵۴ش).
- ۲۶- زرکوب، منصوره و صدیقی، عاطفه، «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب الترجمة و أدواتها»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۵۴-۳۵، (۱۳۹۲ش).
- ۲۷- سراج، رضا، *قرآن کریم با ترجمه فارسی*، تهران: سازمان چاپ دانشگاه، (۱۳۹۰ق).
- ۲۸- شهبازی، اصغر، احمدیان، حمید و شاملی، نصرالله، «کارکردهای بلاغی حذف و اثر آن در ترجمه قرآن کریم»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن کریم*، دوره ۴، شماره ۱، صص ۷۶-۶۱، (۱۳۹۴ش).
- ۲۹- صادق نوبری، عبدالمجید، *ترجمه قرآن*، تهران: اقبال، (۱۳۹۶ق).
- ۳۰- صفار زاده، طاهره، *ترجمه قرآن*، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، (۱۳۸۰ش).
- ۳۱- صفری، مسعود، *آسیب‌شناسی ترجمه قرآن کریم در واژه و ساختار*،، (۱۳۸۰ش).
- ۳۲- صفوی، کوروش، *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر، (۱۳۸۴ش).
- ۳۳- صفوی، محمدرضا، *ترجمه قرآن براساس المیزان*، قم: دفتر نشر معارف قم، (۱۳۸۸ش).
- ۳۴- صلواتی، محمود، *قرآن کریم*، تهران: مبارک، (۱۳۸۷ش).
- ۳۵- طاهری قزوینی، عی اکبر، *قرآن مبین*، تهران: قلم، (۱۳۸۰ش).
- ۳۶- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۸، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۳ق).
- ۳۷- عاملی، ابراهیم، *تفسیر عاملی*، تهران: صدوق، (۱۳۶۰ش).
- ۳۸- فارسی، جلال‌الدین، *قرآن کریم*، تهران: انجام کتاب، (۱۳۶۹ش).
- ۳۹- فولادوند، محمد مهدی، *قرآن کریم*، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (۱۳۷۶ش).
- ۴۰- قبادی آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، *کلمه الله العلیا*، قم: اسوه، (۱۳۷۷ش).

- ۴۱- قرشی بنایی، علی اکبر، ترجمه و تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، (۱۳۷۵ش).
- ۴۲- کاویان‌پور، احمد، ترجمه قرآن، تهران: اقبال، (۱۳۷۲ش).
- ۴۳- کریمی‌نیا، مرتضی، «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»، ترجمان وحی، سال ۱، شماره ۱، صص ۷-۲۴، (۱۳۷۶ش).
- ۴۴- کوشا، محمدعلی، ترجمه‌های ممتاز قرآن در ترازوی نقد، رشت: مبین، (۱۳۸۲ش).
- ۴۵- مشکینی اردبیلی، علی، القرآن الکریم، قم: الهادی، (۱۳۸۱ش).
- ۴۶- مصباح‌زاده، عباس، قرآن مجید با ترجمه فارسی، تهران: بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۴۷- مطهری، مرتضی، «ترجمه قرآن مجید به اهتمام آقای ابوالقاسم پاینده»، یغما، سال ۱۱، شماره ۲، (۱۳۳۷ش).
- ۴۸- معزی، محدکاظم، ترجمه قرآن کریم، قم: انجمن اسلامی دانشجویان، (۱۳۷۵ق).
- ۴۹- مکارم شیرازی، ناصر، القرآن الکریم، قم: دارالقرآن الکریم، (۱۳۷۶ش).
- ۵۰- ملابراهیمی، عزت و طباطبایی، سعیده سادات، «معناشناسی واژه عظیم در قرآن کریم»، تنعیم، سال اول، شماره چهارم، صص ۱۱-۳۰، (۱۳۹۵ش).
- ۵۱- موسوی گرمارودی، قرآن کریم، علی، تهران: قدیانی، (۱۳۸۴ش).
- ۵۲- مهدی‌پور، فاطمه، «ژان رنه لادمیرال؛ قضایایی برای رویارویی با مشکلات ترجمه»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۵۱ (پیاپی ۱۶۵)، صص ۴۸-۵۲، (۱۳۹۰ش).
- ۵۳- ناصری، مهدی، شیروی خوزانی، مصطفی و توکلی محمدی، محمودرضا، «ترجمه‌های تحت اللفظی معاصر قرآن کریم به زبان فارسی؛ برتری‌ها و کاستی‌ها»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۳۷، (۱۳۹۳ش).
- ۵۴- نیازی، شهریار، پژوهشی تاریخی- معنایی درباره اسماء الحسنی، تهران: قدیم، (۱۳۸۳ش).
- ۵۵- یاسری، محمود، قرآن کریم، قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی، (۱۳۸۳ش).
- ۵۶- یزدی، محمد، ترجمه قرآن کریم، تهران: اسوه، (۱۳۸۶ش).

57- Sung, j. *English Lexical Collocations and Their Relation to Spoken Fluency of Adult Non-native Speakers*, Unpublished doctoral dissertation. Indiana University of Pennsylvania, Pennsylvania. (2003).

58- The Quranic Arabic Corpus (<http://corpus.quran.com/>)